

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۰

بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان^۱

دکتر مصطفی ازکیا، دکتر غلامرضا غفاری*

چکیده

در این مقاله رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان بررسی شده است. در آغاز از خاستگاههای نظری دو مفهوم انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته بحث شده و سپس چگونگی سنجش عملی آنها و آزمون تجربی پیوند بین این دو

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه تهران تحت عنوان "بررسی موانع اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - اقتصادی سازمان یافته (در قالب NGOها) در جامعه روستایی ایران، مطالعه موردی روستاهای شهرستان کاشان" است که با بودجه آن معاونت در حوزه معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران اجرا شده است.
* به ترتیب: استاد و استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

متغیر در حوزه مورد مطالعه، بررسی گردیده است. آثار نظری و تجربی، بر وجود نوعی رابطه متعامل بین این دو متغیر گواهی می‌دهد. انسجام اجتماعی در قالب سه شاخص گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر، میزان تعامل اجتماعی و میزان نزاع در بین روستاییان سنجش شده و مشارکت اجتماعی سازمان یافته از طریق مؤلفه‌های عضویت مشارکتی، موقعیت مشارکتی، مشارکت در اجرا و مشارکت در تصمیمگیری مورد سنجش قرار گرفته است. با بررسی رابطه بین دو متغیر مورد مطالعه، مشخص شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، همبستگی معنیداری به میزان ۰/۴۱ در بین آنها وجود دارد.

کلید واژه‌ها:

مشارکت، مشارکت اجتماعی سازمان یافته، انسجام اجتماعی، نزاع اجتماعی، تعامل اجتماعی.

مقدمه

از آغاز طرح مباحث جامعه‌شناسی، مفهوم انسجام اجتماعی^۱ در کانون توجه نظریه پردازان علوم اجتماعی قرار داشته است، به گونه‌ای که متون کلاسیک جامعه‌شناسی عاری از این مفهوم نیست. توجه به انسجام اجتماعی در آثار پیشکسوتان جامعه‌شناسی چون دورکیم^۲، که انسجام اجتماعی را مؤلفه اصلی عمل و رفتار اجتماعی می‌داند، و تونیس^۳ جایگاه ویژه‌ای دارد. در مراحل بعدی نیز جامعه‌شناسان نظم‌گرا در قالب رویکردهای کارکردی - ساختاری و نوکارکردگرایی و همچنین کسانی که در صدد ارائه و بسط رویکردهای تلفیقی تر بوده‌اند، همچنان مفهوم انسجام اجتماعی را در کانون توجه خود حفظ کرده‌اند. در هر جا که ارتباط

1. Social Cohesion
3. Toennies

2. Durkheim

و پیوند انسجام اجتماعی با دیگرکنشها و فرایندهای اجتماعی همچون مشارکت در اشکال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن مطرح می‌شود، همه نظریه پردازان جامعه‌شناسی اعم از نظم‌گرا و ستیزگرا، در خصوص ابراز توجه به وجود این پیوند، علی‌رغم اختلاف نظر در چگونگی ارتباط و تأثیرگذاری، در سطوح گروهی، میان‌گروهی و جمعی، به نوعی اتفاق نظر و اجماع می‌رسند و بر اهمیت پیوند بین انسجام و مشارکت تأکید می‌کنند.

مطالعه مشارکت اجتماعی نیز دارای سابقه دیرینه‌ای است؛ به نظر پارکر، «در آغاز، مشارکت اجتماعی به عنوان بعدی از منزلت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این مشارکت به عنوان ابزاری برای خودشکوفایی (وارینر^۱ و پراسر^۲، ۱۹۶۵)، حامی تکثرگرایی در جوامع توده‌ای (نیزبت^۳، ۱۹۵۷ و کورنهایزر^۴، ۱۹۵۹)، کاتالیزوری برای وحدت اجتماع محلی (هاری^۵، ۱۹۷۰)، جایگزینی برای پیوندهای تضعیف شده خانواده و کلیسا (ویرث^۶، ۱۹۳۸ و رایزمن، ۱۹۵۴) عامل جامعه‌پذیری سیاسی و نظامهای دینی غالب (وارینر و پراسر، ۱۹۶۵ و اولسون، ۱۹۷۲) دیده شده است» (Parker, 1985,864).

به نظر میجلی «مشارکت اجتماعی نیز موضوعی کاملاً ایدئولوژیکی و بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی در این خصوص است که جوامع چگونه باید سازماندهی شوند. منطق آن مبتنی بر واکنش در برابر تمرکزگرایی، دیوانسالاری، انعطاف‌ناپذیری و دردسترس نبودن دولت است؛ و با این اعتقاد مورد حمایت واقع شده که قدرت دولت به گونه‌ای بسط و گستردگی فزاینده‌ای پیدا کرده که با کنترل بر امور جوامع، حقوق و آزادیهای مردم عادی را تقلیل داده است» (Midgely & et.at., 1986,64). به نظر اولسن «نظریه مشارکت اجتماعی

1. Warriner

2. Prather

3. Nisbet

4. Kornhauser

5. Harry

6. Wirth

حاصل ایده گسترده کثرت گرایی اجتماعی^۱ است که نظریه پردازانی چون توکوویل^۲ (۱۹۶۱)، ترومن^۳ (۱۹۵۱) دال^۴ (۱۹۵۶)، لیپست^۵ و همکاران (۱۹۵۶)، کورنهارز و نیزیت (۱۹۶۲) توسعه داده اند. به عقیده او نظریه مشارکت در قالب دو مفهوم بسیج^۶ و واسطه بودن^۷ به عنوان پیش شرط و زمینه مشارکت سیاسی مورد بحث قرار گرفته است» (Oldrn, 1972, 318). کرافت و برسفورد تحولاتی چون ظهور جنبشهای اجتماعی جدید، تأمل و بازنگری در مورد نیاز انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و پسانوگرایی^۸ را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته اند (Croft & Bresford, 1992, 22). ولی آنچه به صورت عام مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته، اندیشه‌های مربوط به دموکراسی است که مهمترین تأثیر را به لحاظ فکری در گسترش نظریه مشارکت اجتماعی داشته است. میجلی به الهام بخشی و تأثیر اندیشه‌های مربوط به دموکراسی بر روی نظریه مشارکت است که از حق شهروندی در تصمیمگیری بحث کند. به نظر او «الهام نظریه مشارکت اجتماعی از مباحث مربوط به دموکراسی مبتنی بر ایده‌های کلاسیک دموکراسی نمایندگی^۹ (شومپتر ۱۹۴۲، دال ۱۹۵۶، لوکاس ۱۹۷۶، پینوک ۱۹۷۳) نبوده بلکه مبتنی بر تحول جدید در نظریه دموکراسی یعنی نظریه لیبرال دموکراسی می باشد که به عنوان دموکراسی محله‌ای^{۱۰} شناخته می شود. در حقیقت بسیاری از طرفداران و مفسرین مشارکت اجتماع محلی نسبت به دموکراسی نمایندگی و امکان آن برای فراهم نمودن فرصتهای واقعی برای دخالت توده‌ها در امور سیاسی کشورهای در حال توسعه شک و تردید دارند. در نتیجه با الهام از نظریه دموکراسی محله‌ای از ایجاد نهادهایی در مقیاس کوچک برای تحقق آرمانهای سیاسی در

1. Social pluralism

2. Toqueville

3. Truman

4. Dahl

5. Lipset

6. Mobilization

7. Mediation

8. Postmodernism

9. Representative democracy

10. Nighbourhood democracy

روستاها و محله‌های شهری جهان سوم طرفداری نموده‌اند» (Midgely, 1986, 15). علاوه بر این، به لحاظ فکری، اندیشه‌های مردم‌گرا که راجع به در حاشیه قرار گرفتن مردم عادی بحث می‌کند و نیز نظریه‌های مربوط به آنارشیسم که متضمن دیدگاه‌های "دولت نخواهی" است و مهمتر از آن به تعبیر چمبرز «تحول پارادایم‌های توسعه که از آن به عنوان انتقال از پارادایم اشیاء به پارادایم مردم یاد می‌کند، در بسط نظریه مشارکت اجتماعی نقش بسزایی داشته‌اند. به نظر چمبرز در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پارادایم اشیاء بر مباحث توسعه حاکم بود که برای ایجاد زیر ساخت‌های بزرگ و صنعتی شدن امور آبیاری تأکید می‌کرد و اقتصاددانان و مهندسان با پارادایم ریاضی و طبیعی از بالا به پایین قواعد، رویه‌ها و شیوه‌ها را تعیین می‌کردند. با ورود دانشمندان اجتماعی و نیز کمک برخی از آژانس‌های بین‌المللی، گسترش روش‌های مشارکتی، دخالت مردم‌شناسان اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی شاهد انتقال از پارادایم اشیاء به پارادایم مردم هستیم که محور توسعه را مردم و به خصوص فقرا قرار می‌دهند. البته در سطح نظری تحول خوبی صورت گرفته است ولی در عمل همچنان واقعیت از بالا به پایین جریان و حاکمیت دارد» (Chabers, 1997, 323). علاوه بر زمینه‌های فکری مطرح شده در بالا و تأثیر آنها بر غنای نظریه مشارکت، برخی از فعالیت‌های عملی نیز در تقویت و بسط این نظریه مؤثر بوده‌اند.

ابعاد نظری و عملی متغیرها

۱. انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی «انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته است» (افروغ، ۱۳۷۸، ۱۴۰).

انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنا پیدا می‌کند. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید عاطفه جمعی^۱ می‌نامد. از نظر دورکیم عاطفه جمعی عمیق اکثراً طی مناسک جمعی (مثل اعیاد و مراسم ملی و مذهبی و غیره) به وجود می‌آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (چلبی، ۱۳۷۲، ۲۲). به نظر گیدنز، انسجام اجتماعی را نمی‌توان با اقدام از بالا به پایین دولت یا با توسل به سنت تضمین کرد. ما ناچاریم زندگی خود را به شیوه‌ای فعالتر از آنچه در نسلهای پیشین درست بود بسازیم و باید برای پیامدهای آنچه انجام می‌دهیم و عاداتهای شیوه زندگی که برگزیده‌ایم فعالانه‌تر مسئولیت بپذیریم. موضوع مسئولیت یا تعهد متقابل در سوسیال دموکراسی قدیم وجود داشت اما تا اندازه زیادی غیرفعال بود چون در مفهوم تدارک جمعی غرق شده بود. امروز ما باید تعادل جدیدی بین مسئولیتهای فردی و جمعی بیابیم (گیدنز، ۱۳۷۸، ۴۳).

پیوند بین انسجام اجتماعی و مشارکت نیز حائز اهمیت است. زیرا بین مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی نوعی رابطه متعامل وجود دارد. یکی از پیش شرطهای مشارکت، قابلیت ظرفیت متقابل برای ارتباط و تعامل داشتن با دیگران است. وفاق اجتماعی دو مشکل بنیادی را، که هر نظم اجتماعی بالقوه با آن دست به گریبان است یعنی پیشینی‌پذیری رفتارهای اجتماعی و تعاون اجتماعی، حل می‌کند. با حل دو مشکل فوق و همزمان با ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری اجتماعی و مشارکت اجتماعی که خود پیش شرطی برای اصلاح و توسعه اجتماعی است، فراهم آید (چلبی، ۱۳۷۲، ۱۹). به نظر پاتنام، چنانکه در مورد تاریخ اقتصادی اروپا عنوان شده است، آنچه مشارکت همه اقشار مردم و پس‌اندازهایشان را در فرایندهای تولیدی امکانپذیر ساخته بود حس فراگیر درستکاری بود که به وسیله حس تعلق به یک اجتماع یکپارچه

1. Collective Emotion

تقویت شده بود. بهبود چشمگیر زندگی اقتصادی و عملکرد حکومت به وسیله هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی ممکن شده بود. تغییرات انقلابی که در نهادهای اساسی سیاست و اقتصاد رخ داد، برآمده از این شرایط اجتماعی منحصر به فرد و پیوندهای افق همکاری و همبستگی اجتماعی درون آن بود (پاتنام، ۱۳۸۰، ۲۲۱). در مجموع، انسجام اجتماعی مورد نظر در این مقاله دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد که حاصل پذیرش^۱ و درونی کردن^۲ نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی (احساس ماکردن) و تراکمی از وجود تعامل^۳ در میان افراد آن جامعه است.

برای سنجش این متغیر از سه شاخص: (۱) گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر، (۲) میزان تعامل اجتماعی در بین آنها، و (۳) میزان نزاعهای جمعی و اختلاف سیاسی در بین روستاییان، استفاده شده است.

۱. برای سنجش گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر از گویه‌های جدول شماره ۱، که طیف گرایش روستاییان را نسبت به یکدیگر تشکیل می‌دهد، استفاده شده است. این طیف، ۹ گویه دارد. گویه‌ها از صفر تا ۲ نمره گذاری شده‌است^۴. دامنه تغییر نمره‌ها در مجموع از صفر تا ۱۸ است. هر چه نمره‌ها به ۱۸ نزدیکتر باشد نشانه وجود گرایش مثبت اهالی روستا نسبت به یکدیگر است و هر چه در سطح پایینتر و نزدیک به صفر قرار گیرد گویای وجود گرایش منفی اهالی روستا نسبت به یکدیگر است که دلالت بر کاهش انسجام دارد.

1. Acceptance

2. Internalization

3. Interaction

۴. در مرحله پیش آزمون پرسشنامه تحقیق، تمامی طیفهادر قالب طیف پنج گزینه‌ای لیکرت به اهالی ارائه شد. بایاسخهای روستاییان مشخص گردید که تفکیک بین خیلی زیاد و زیاد و نیز خیلی کم و کم برای آنها مشکل است، در نتیجه پنج گزینه‌ای بودن طیفها را به سه گزینه کاهش دادیم.

جدول شماره ۱. گویه‌های طیف‌گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر

ردیف	گویه‌ها	زیاد (۲)	تاحدودی (۱)	اصلاً (۰)
۱	موقع گرفتاریها به درد آدم می‌خورند.			
۲	چشم دیدن همدیگر را ندارند.			
۳	به آنها نمی‌شود اعتقاد کرد.			
۴	افتاده و بی‌تکبرند.			
۵	اگر دستشان برسد روی زخم آدم نمک می‌پاشند.			
۶	احترام بزرگتر و کوچکتر را نگه می‌دارند.			
۷	به نصیحت یکدیگر گوش می‌دهند.			
۸	به فکر در و همسایه هستند.			
۹	بیشتر خوبیهای همدیگر را می‌گویند.			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲. میزان تعامل و نزاع در بین اهالی روستا با گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت، با سه گزینه "زیاد"، "تاحدودی" و "اصلاً" به ترتیب با نمره‌های ۱، ۲ و صفر سنجیده شده است. دامنه تغییر نمره‌های تعامل اجتماعی در بین روستاییان، از صفر تا ۸ و میزان نزاع از صفر تا ۶ است. این گویه‌ها در جدول شماره ۲ آورده شده است. (چهار گویه اول مربوط به میزان تعامل و سه گویه آخر مربوط به میزان نزاع در بین روستاییان است.)

جدول شماره ۲. گویه‌های طیف میزان تعامل و نزاع در بین روستاییان

ردیف	گویه‌ها (۲)	زیاد (۱)	تاحدودی (۰)	اصلاً
۱	۱. این روزها مردم بیشتر به فکر خودشان هستند و کمتر بایکدیگر رفت و آمد دارند؛ اهالی این روستا از این نظر چگونه‌اند؟			
۲	۲. معمولاً در هر روستا آداب و رسوم و وجود دارد؛ مثلاً روز اول عید به دید و بازدید یکدیگر می‌روند. در این روستا این نوع دید و بازدیدها تا چه اندازه بین اهالی وجود دارد؟			
۳	۳. اگر خدای ناخواسته اتفاق برای یکی از اهالی بیفتد مردم آبادی تا چه اندازه سراغ وضعیت او را می‌گیرند و حاضرند به او کمک کنند؟			
۴	۴. در فصل کار، اهالی روستا تا چه اندازه حاضرند به یکدیگر کمک کنند؟			
۵	۵. تا چه اندازه اهالی این روستا بر سر برخی از مسائل جزئی بگو و مگو می‌کنند؟			
۶	۶. تا چه اندازه در این روستا نزاع و دسته‌کشی‌های طایفه‌ای وجود دارد؟			
۷	۷. تا چه اندازه در این روستا بین اهالی اختلاف‌های سیاسی و خطی وجود دارد؟			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲. مشارکت اجتماعی

مشارکت، بر وزن مفاعله از نظر لغوی به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری است. از منظر جامعه‌شناسی مشارکت نوعی فرایند تعاملی چند سویه است. به نظر هال «تعارض بین دیدگاه‌های عملگرایانه^۱ و دیدگاه‌های عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چند وجهی شود و در طی زمان با معنای متفاوتی هویدا شود» (Hall, 1988, 93). در نتیجه، مشارکت مردمی در معنای عام خود همانند سایر واژه‌های حوزه علوم اجتماعی - انسانی تحت شرایط اجتماعی متفاوت، معانی متعددی

1. Pragmatic

پیدا کرده و پرسشهایی چون فعالیت مشارکتی تا چه حد ضروری و مطلوب است، چه هدفهایی دارد، آیا مشارکت در مقام اجراست یا به مرحله تصمیمگیری هم رسیده است را در پی داشته که بر حسب تعریف مشارکت، پاسخهای مختلفی دریافت کرده است (ملل متحد، ۱۹۸۸، ۲۹۱). به نظر آلن بیرو از منظر جامعه‌شناسی «باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد» (بیرو، ۱۳۶۶، ۲۷۵).

«مشارکت عمومی را می‌توان به عنوان یک نظام خودکلی و به عنوان متشکله یک نظام جدید نمایندگی محسوب کرد» (دشتی، ۱۳۷۶، ۱۶۴).

از منظر نظام‌مندی و کارکردی مشارکت را «سازوکاری برای بقا، توسعه و تعالی نظام اجتماعی دانسته‌اند که توسعه نیافتن ساختارهای لازم برای مشارکت و نهادی کردن آن به انقراض نظام اجتماعی و سقوط سیاسی آن می‌انجامد» (مردوخی، ۱۳۷۳، ۷۱).

مشارکت را نوعی کنش هدفمند نیز دانسته‌اند که در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین و تعریف شده، نمود پیدا می‌کند. درنگاهی دیگر مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کمیاب و فراهم سازی فرصت برای رده‌های پایین جمعیتی جهت بهبود شرایط زندگی آنها عنوان کرده‌اند. وقتی مشارکت را به عنوان فراگرد نیرومند سازی در نظر می‌گیریم مشارکت مبتنی بر سه ارزش «سهم کردن مردم در قدرت و اختیار، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصتهای پیشرفت به روی رده‌های زیرین جامعه خواهد بود. حاصل آن تسهیل در شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت نمودن، از میان بردن حاشیه نشینی، نیرومند ساختن ناتوانان و در هم شکستن فرهنگ سکوت خواهد بود» (طوسی، ۱۳۷۰، ۸).

مشارکت را به عنوان نوعی کنش ارتباطی نیز در نظر می‌گیرند که مبتنی بر فهم متقابل است «آن چنانکه هابرماس، کنش معطوف به فهم متقابل یا کنش ارتباطی را نوع اصلی کنش

اجتماعی دانسته و معتقد است که هر شکل از کنش اجتماعی دیگر، که معطوف به سلطه یا اعمال نفوذ محض باشد یک شکل اشتقاقی از کنش اجتماعی است و به صورت انگلی بر روی کنش ارتباطی به حیات خود ادامه می‌دهد» (Ramella & Rose, 2000, 275).

در اینجا برای درک مناسب‌تر فضای مفهومی مشارکت به برخی از تعریف‌های آن اشاره می‌شود.

گائوتری در تعریف مشارکت می‌گوید: «مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است» (Gaotri, 1986,37).

ارنستاین^۱ «مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت می‌داند که به سبب آن، شهروندانی که در حال حاضر در فرایند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند را قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند» (اوکلی و مارسدن ۱۳۷۰، ۳۳).

به نظر یومال^۲ «مشارکت در مفهوم گسترده‌اش برانگیختن حساسیت مردم، و در نتیجه به معنی افزایش درک و توان آنان جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به معنای تشویق ابتکارات محلی است» (پاتریک، ۱۳۷۴، ۱۱۹).

مؤسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی^۳، مشارکت را «کوشش‌های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبشهایی که تاکنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند تعریف می‌کند» (Wolf, 1983, 2). این تعریف نسبت به سایر تعریف‌های ارائه شده از طرف سازمان‌های بین‌المللی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

اوکلی برای تعریف مشارکت به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می‌پردازد که

1. Ornstein

2. Umalele

3. UNRISD

عبارت است از: «۱. مشارکت به عنوان سهم^۱ داشتن که معتقد است این تفسیر در مورد پروژه‌های بهداشتی، تأمین آب، جنگلداری، منابع طبیعی، امور زیربنایی در جهان سوم که دارای اهداف از پیش تعیین شده‌ای می‌باشند صادق است. ۲. مشارکت به عنوان سازمان^۲ که در این تفسیر سازمان به عنوان ابزار و ساز و کار اصلی مشارکت مطرح گردیده و بر تشکیل تعاونها، مؤسسات کشاورزی، کمیته‌های مربوط به مدیریت آب و غیره تأکید می‌شود. ۳. مشارکت به عنوان توانمندسازی^۳، که در این تفسیر به برخوردار شدن مشارکت‌کنندگان از مهارت، دانش، قابلیت‌های توسعه‌ای و توان تصمیم‌گیری تأکید می‌شود» (Oakley & et. al., 1999,8-9).

رحمان در تعریف مشارکت می‌گوید: «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک چارچوب سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به اهداف خودشان هستند. در نتیجه، مشارکت یک فرایند فعال است که هریک از مشارکت‌کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعالشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند. او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به موارد زیر اشاره می‌نماید:

۱. مشارکت، فعالیت سازمان یافته از طرف مردم متحد و متجانس است که واحد اولیه آن را متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می‌دهد.
۲. مبادرت به کنش، و عمل جمعی داشتن.
۳. تفکر و تأمل مستقیم نسبت به کارها و فعالیتها داشتن.
۴. نظارت بر فرایند مشارکت نمودن» (رحمان، ۱۹۹۳، ۱۵۰).

مشارکت سازمان یافته اقتصادی و اجتماعی با برنامه‌های مشارکت مردمی^۴ مورد نظر فائو که «هدف آنها درگیر ساختن فعال مردم در برنامه‌های توسعه و سازماندهی طبقات پایین مردم روستایی است و برای اجرای برنامه‌های مشارکت مردمی بر مؤلفه‌هایی چون تمرکز بر تهیدستان روستایی، مشارکت زنان در توسعه، گروههای کوچک، نمایندگان اجرایی، کمیته‌های

1. Contribution
3. Empowerment

2. Organization
4. Participation people programs

هماهنگ‌کننده نیروهای بومی پروژه، گروههای ترویج، تولید در آمد و پس انداز، اعتبارات، آموزش، ارزیابی مشارکتی و خوداتکایی اصرار دارد، ارتباط تنگاتنگی دارد» (فائو، ۱۳۷۶، ۴۵). سالها نیز از راهبرد تاسیس نهادهای غیر متمرکز به عنوان نهادهای مشارکتی یاد می‌کند. منظور از تاسیس نهاد را «ایجاد مکانیسم‌هایی می‌داند که به طور مستمر و پایدار در اختیار مردم هستند تا درباره مسائل و مشکلاتی که با آنها مواجهند به بحث بپردازند. چنین نهادهایی می‌توانند به سادگی کمیته‌های همسایگی یا به پیچیدگی یک بانک تعاونی باشند» (سالها، ۱۳۶۵، ۱۲۳).

مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین‌گروهی در قالب انجمنهای داوطلبانه، باشگاهها، اتحادیه‌ها و گروههایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند و هدفشان مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرایندهای اجتماعی مختلف در قالب سیاستهای اجتماعی است. به عبارتی مشارکت اجتماعی «بر آن دسته از فعالیتهای ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹، ۱۰۸). تعدد و گستردگی سازمانهای محلی و غیر دولتی در یک جامعه، شاخص و بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکتهای اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می‌شود. نهادهای مدنی، تشکلهای مردمی غیر دولتی است که در حفاصل توده‌های مردم با دولت به وجود می‌آید و بخشی از مردم را برای دستیابی به یک هدف مشخص، و در یکی از حوزه‌های اجتماعی سازماندهی می‌کند. «دامنه فعالیت این نهادها که به منظور مشارکت سازمان‌یافته مردم تشکیل می‌گردند بسیار گسترده است. اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاههای اقتصادی، خصوصی، شرکتهای تعاونی، گروههای هنری، مطبوعات، مؤسسات خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنین یک خیابان و محله می‌توانند مثالهایی از نهادهای مدنی باشند» (دانشمندی، ۱۳۷۷، ۱۷۰). «سعدالدین ابراهیم از پیشینه سازی مشارکت جمعی سازمان یافته اختیاری در عرصه عمومی بین افراد و دولت به عنوان جامعه مدنی یاد می‌کند» (چلبی،

۱۳۷۵، ۲۸۸). مشارکت اجتماعی با مشارکت مردمی^۱ قرابت نزدیکی دارد، زیرا اولاً مشارکتی است که از متن جامعه برمی آید، ثانیاً عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی را در برمی گیرد. چنین مشارکتی در برنامه‌های عمران اجتماعی^۲، بویژه در سطح روستاها، جایگاه ویژه‌ای دارد که غفلت از آن و فراهم نساختن بسترهای لازم برای بسط و بهره‌گیری مناسب از آن، برنامه‌های عمران اجتماعی را در سطوح مختلف دچار مشکل و نارسایی می‌کند.

بنابراین مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی یا در نظر داشتن هدفهای معین و مشخص به منظور سهم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد.

نمود عینی چنین مشارکتی وجود نهادهای مشارکتی چون انجمنها، گروهها، سازمانهای محلی و غیردولتی است.

مقیاس مشارکت اجتماعی چابین^۳، یکی از مقیاسهایی است که به لحاظ عملی برای سنجش مشارکت اجتماعی در ادبیات مشارکت مورد توجه قرار گرفته است. این مقیاس شامل مقوله‌های تعلق (عضویت) سازمانی، حضور در نشستها، کمکهای مالی، عضویت در کمیته‌ها و داشتن مسئولیت (منصب) است که به ترتیب برای هریک از آنها نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ تخصیص می‌گیرد. با جمع کردن این نمره‌ها بر مبنای تعداد سازمانهایی که فرد با آنها در ارتباط است، نمره مشارکت اجتماعی او تعیین می‌شود. «در انتقاد به این مقیاس عنوان شده که فقط مشارکت اجتماعی رسمی را اندازه‌گیری می‌کند و مشارکت اجتماعی غیررسمی را نادیده می‌گیرد. با این وجود، به کرات مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته است» (پارکر، ۱۹۸۵، ص ۸۶۵). با الهام از مقیاس چابین مشارکت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه برحسب مقوله‌های زیر مورد سنجش قرار گرفته است:

(۱) عضویت در مجامع مشارکتی (برای هر مجمع یک نمره)

1. Popular participation
3. Chapin

2. Community development programs

۲) موقعیت مشارکتی در هر مجمع:

- عادی (نمره ۱) - فعال (نمره ۲) - دارای مسئولیت (نمره ۳)

۳) مشارکت در اجرا:

- مشارکت در طرحهای عمرانی (برای هر طرح یک نمره)

۴) مشارکت در تصمیمگیری:

- شرکت در جلسات مجامع مشارکتی (بلی ۱ و خیر ۰)

- ارائه نظر و پیشنهاد در مورد طرحها (بلی ۱ و خیر ۰)

روش تحقیق و جامعه مورد مطالعه

در این مطالعه از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. با به کارگیری روش اول، ابعاد نظری و تاریخی موضوع، که محتوای این مقاله را تشکیل می دهد، بررسی می شود و با استفاده از روش دوم، یعنی روش پیمایشی، چگونگی توزیع و روابط بین متغیرها بر مبنای داده های جمع آوری شده تبیین می گردد. فن جمع آوری داده ها، مصاحبه حضوری مستقیم از طریق پرسشنامه و مناطق روستایی شهرستان کاشان، حوزه و جامعه مورد مطالعه بوده است. با بهره گیری از فنون نمونه گیری و طبقه بندی روستاها در سه گروه روستاهای دارای امکانات توسعه ای پایین، متوسط و بالا، ۱۳ روستای ۴۰۶۶ خانواری انتخاب شد. از این جامعه، نمونه ای به حجم ۱۷۰ خانوار تعیین گردید و به روش پیمایشی با استفاده از تکنیک مصاحبه حضوری مستقیم، داده های مورد نیاز از سرپرست خانوارها به عنوان واحد تحلیل، جمع آوری شد.

توزیع متغیرها

۱. انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی در سطح روستاهای مورد مطالعه بر مبنای سه شاخص گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر، میزان تعامل و ارتباط متقابل اجتماعی آنها و میزان نزاعهای جمعی، طایفه ای

و اختلافات سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است.

۱.۱. گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر

برای سنجش گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر از طیف دارای ۹ گویه استفاده شده است. چگونگی توزیع درصدی (نسبی) پاسخهای روستاییان مورد مطالعه به هریک از گویه‌ها همراه با بار هر گویه در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول شماره ۳. توزیع نسبی و بار پاسخهای افراد مورد مطالعه به گویه‌های

طیف گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر

ردیف	گویه‌ها	زیاد (۲)	تاحدودی (۱)	کم (۰)	بار
۱	موقع گرفتاریها به درد آدم می‌خورند.	۲۹/۴	۵۵/۹	۱۴/۷	۰/۶۱
۲	چشم دیدن همدیگر را ندارند.	۸/۲	۵۲/۹	۳۸/۸	۰/۷۳
۳	به آنها نمی‌شود اعتماد کرد.	۱۰	۵۵/۹	۳۴/۱	۰/۶۷
۴	افتاده و بی‌تکبرند.	۴۱/۲	۵۴/۱	۴/۷	۰/۷
۵	به نصیحت یکدیگر گوش می‌دهند.	۳۵/۳	۵۸/۸	۵/۹	۰/۷۸
۶	اگر دستشان برسد روی زخم آدم نمک می‌پاشند.	۶/۵	۵۱/۲	۴۲/۴	۰/۷
۷	بیشتر خوبیهای همدیگر را می‌گویند.	۳۵/۳	۵۴/۷	۱۰	۰/۷
۸	احترام بزرگتر و کوچکتر را نگه می‌دارند.	۵۲/۴	۴۲/۹	۴/۷	۰/۵۴
۹	به فکر در و همسایه هستند.	۳۷/۶	۵۴/۷	۷/۷	۰/۷۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۴، ماتریس همبستگی درونی بین این گویه‌ها را نشان می‌دهد. همچنین تحلیل عامل بر روی آنها نشان می‌دهد که با توجه به معنیداری همبستگی گویه‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد و نیز معنیداری آزمون بارتلت و مقدار شاخص KMO (برابر ۰/۸۹) و جمع شدن گویه‌ها در یک عامل اعتبار سازهای، طیف مبنی بر سنجش مفهوم واحد و نیز روایی آن بر اساس مقدار ضریب آلفای کرونباخ (برابر ۰/۷) تأیید شده است.

جدول شماره ۴. ماتریس همبستگی بین گویه‌های گرایش روستاییان
نسبت به یکدیگر

گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۱								
۲	۰/۴۵	۱							
۳	۰/۳	۰/۴	۱						
۴	۰/۴	۰/۵	۰/۴	۱					
۵	۰/۴	۰/۵	۰/۵۵	۰/۵	۱				
۶	۰/۳	۰/۵	۰/۴	۰/۴	۰/۵	۱			
۷	۰/۳	۰/۵	۰/۴	۰/۴	۰/۵	۰/۴	۱		
۸	۰/۲	۰/۳	۰/۲	۰/۳	۰/۴	۰/۲	۰/۳	۱	
۹	۰/۳	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۵	۰/۴	۰/۵	۰/۵	۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مجموع نمرات این طیف برابر با ۱۸ است. دامنه تغییر آن در جامعه مورد مطالعه ۱۵، میانگین آن ۱۱/۷۴ و واریانس آن ۱۳/۹۴ است. با تقسیم مجموع نمرات این طیف به تعداد گویه‌ها و طبقه‌بندی آن در قالب سه مقوله زیاد، متوسط و کم با فاصله‌های برابر و در جهت مثبت، جدول مربوط به توزیع فراوانی (جدول شماره ۵) تشکیل شد. این جدول توزیع گرایش روستاییان را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی و نسبی گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر

میزان گرایش (مثبت)	تعداد	درصد	درصد جمعی
زیاد	۶۰	۳۵/۳	۳۵/۳
متوسط	۸۵	۵۰	۸۵/۳
کم	۲۵	۱۴/۷	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس داده‌های این جدول، ۳۵/۳ درصد افراد مورد مطالعه گرایش مثبت روستاییان

را نسبت به یکدیگر زیاد، ۵۰ درصد متوسط و ۱۴/۷ درصد کم می‌دانند. این موضوع در مجموع دلالت بر وجود گرایش به نسبت مثبت روستاییان به یکدیگر است.

۲.۱. تعامل در بین روستاییان

میزان تعامل در بین روستاییان با استفاده از چهار گویه جدول شماره ۶ سنجیده شد. همچنین چگونگی توزیع نسبی پاسخ افراد مورد مطالعه به هر یک از گویه‌ها و نیز بار هر گویه در این جدول آورده شده است.

جدول شماره ۶. توزیع نسبی و بار پاسخهای افراد مورد مطالعه به هر یک از

گویه‌ها در طیف تعامل روستاییان

ردیف	گویه‌ها	زیاد (۲)	تاحدودی (۱)	کم (۰)	بار
۱	این روزها مردم بیشتر به فکر خودشان هستند و کمتر با یکدیگر رفت و آمد دارند؛ اهالی این روستا از این نظر چگونه‌اند؟	۳۳/۵	۵۸/۲	۸/۳	۰/۶۵
۲	معمولاً در هر روستا آداب و رسوم و وجود دارد؛ مثلاً روز اول سال (عید) به دید و بازدید یکدیگر می‌روند. در این روستا این نوع دید و بازدیدها تا چه اندازه وجود دارد؟	۷۳/۵	۲۱/۵	۴/۷	۰/۷۹
۳	در فصل کار اهالی روستا تا چه اندازه حاضرند به یکدیگر کمک کنند؟	۳۳/۵	۵/۸	۷/۶	۰/۸۱
۴	اگر خدای ناخواسته اتفاق برای یکی از اهالی بیفتد مردم آبادی تا چه اندازه حاضرند به او کمک کنند؟	۵۲/۱	۴۱/۲	۵/۹	۰/۷۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ماتریس همبستگی بین این چهار گویه و نیز خروجی تحلیل عامل بر روی این گویه‌ها در جدول شماره ۷ آورده شده است.

گویه‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد با یکدیگر همبستگی معنیداری دارد. با تحلیل عامل بر روی آنها مقدار KMO برابر با ۰/۷۶ به دست آمد و معنیداری آزمون بارتلت نیز نشان داده شد. گویه‌ها در یک عامل جمع شده‌است که نشانگر اعتبار سازه‌ای آنهاست و با حاصل شدن

ضریب آلفای کرانباخ برابر با ۰/۷۶، روایی آنها نیز تأیید شد.

جدول شماره ۷. ماتریس همبستگی بین گویه‌های طیف
تعامل در بین روستاییان

گویه‌ها	۱	۲	۳	۴
۱	۱			
۲	۰/۳	۱		
۳	۰/۴	۰/۵	۱	
۴	۰/۳	۰/۵	۰/۵	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مجموع نمرات گویه‌های این طیف برابر با ۸ است. دامنه تغییر آن بر اساس نمرات پاسخگویان جامعه مورد مطالعه ۸، میانگین ۵/۶۷ و واریانس ۳/۲ است.

جدول شماره ۸ چگونگی توزیع این متغیر را پس از طبقه‌بندی نمرات میزان تعامل در بین روستاییان در سه مقوله کم، متوسط و زیاد با فاصله‌های برابر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸. توزیع فراوانی مطلق و نسبی ارزیابی پاسخگویان از تعامل در

بین روستاییان

میزان تعامل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۷	۴/۱	۴/۱
متوسط	۴۰	۲۳/۵	۲۷/۶
زیاد	۱۲۳	۷۲/۴	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

مأخذ: یافته‌های تحقیق

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که ۷۲/۴ درصد پاسخگویان، تعامل در بین روستاییان را زیاد، ۲۳/۵ درصد متوسط و ۴/۱ درصد کم ارزیابی کرده‌اند.

۳.۱. نزاع در بین روستاییان

میزان نزاع و ستیز در بین روستاییان با سه گویه جدول شماره ۹ مورد سنجش قرار گرفته

است. این جدول، توزیع نسبی پاسخ به هر یک از گویه‌ها را نیز نشان می‌دهد. ماتریس همبستگی بین این سه گویه هم در جدول شماره ۱۰ آورده شده است.

جدول شماره ۹. توزیع نسبی و بار پاسخهای افراد مورد مطالعه بین گویه‌های نزاع در بین روستاییان

ردیف	گویه‌ها	زیاد (۲)	تاحدودی (۱)	کم (۰)	بار
۱	تاچه اندازه اهالی این روستا بر سر برخی از مسائل جزئی بگو و مگومی کنند؟	۱۰	۵۸/۲	۳۱/۸	۰/۸۴
۲	تاچه اندازه در این روستا نزاع و دسته‌کشی‌های طایفه‌ای وجود دارد؟	۵/۳	۳۲/۹	۶۱/۸	۰/۸۱
۳	تاچه اندازه در این روستا بین اهالی اختلافهای سیاسی و خطی وجود دارد؟	۸/۸	۴۹/۴	۴۱/۸	۰/۸۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱۰. ماتریس همبستگی بین گویه‌های نزاع در بین روستاییان

گویه	۱	۲	۳
۱	۱		
۲	۰/۵	۱	
۳	۰/۶	۰/۵	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

معنیداری همبستگی گویه‌ها با یکدیگر در سطح اطمینان ۹۹ درصد قرار دارد. با انجام تحلیل عامل بر روی آنها مشخص شد که KMO برابر با ۰/۷ است و آزمون بارتلت در سطح معنیداری قرار دارد. گویه‌ها در یک عامل قرار گرفته‌است و مقدار ضریب آلفای کرانباخ آنها برابر با ۰/۷۷ است. در نتیجه، اعتبار سازه‌ای و روایی آنها مورد تأیید است. دامنه تغییر نمرات میزان نزاع در بین روستاییان ۶ و میانگین و واریانس آن به ترتیب ۴/۱ و ۱/۹ است که پس از تقسیم مجموع نمرات به تعداد گویه‌ها و طبقه‌بندی آنها با فواصل برابر

در سه مقوله کم، متوسط و زیاد، جدول مربوط به توزیع (جدول شماره ۱۱) تنظیم شد.

جدول شماره ۱۱. توزیع فراوانی مطلق و نسبی ارزیابی پاسخگویان از میزان

نزاع در بین روستاییان

میزان نزاع	فراوانی	درصد	درصد جمعی
کم	۱۰۷	۶۲/۹	۶۲/۹
متوسط	۴۵	۲۶/۵	۸۹/۴
زیاد	۱۸	۱۰/۶	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

مأخذ: یافته‌های تحقیق

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که حدود ۶۳ درصد پاسخگویان میزان نزاع در میان روستاییان را در سطح روستا کم، ۲۶/۵ درصد متوسط و فقط ۱۰/۶ درصد زیاد ارزیابی کرده‌اند.

در نهایت، پس از هم جهت ساختن متغیر میزان نزاع با دو متغیر گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر و میزان تعامل در بین روستاییان (از طریق معکوس کردن بار گویه‌ها) و نیز تقسیم مجموع نمرات شاخصهای سه گانه مربوط به انسجام اجتماعی به تعداد گویه‌هایشان، به دلیل هسان شدن شاخصها، آنها با یکدیگر ترکیب شدند و تشکیل متغیر انسجام اجتماعی را در سطح روستا دادند که چگونگی توزیع آن با فاصله برابر در قالب سه مقوله کم، متوسط و زیاد، در جدول شماره ۱۲ آورده شده است.

جدول شماره ۱۲. توزیع فراوانی مطلق و نسبی میزان انسجام اجتماعی در

روستاهای مورد مطالعه

میزان انسجام	فراوانی	درصد	درصد جمعی
کم	۳	۱/۸	۱/۸
متوسط	۶۹	۴۰/۶	۰/۴
زیاد	۹۸	۵۷/۶	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر مبنای داده‌های این جدول، ۱/۸ درصد افراد مورد مطالعه میزان انسجام اجتماعی در سطح روستا را کم، ۴۰ درصد متوسط و ۵۷/۶ درصد (افزون بر نیمی از آنها)، در سطح زیاد ارزیابی کردند. جدول شماره ۱۳ چگونگی همبستگی بین سه شاخص انسجام اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۳. ماتریس همبستگی بین شاخصهای مربوط به انسجام اجتماعی

شاخصها	گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر	میزان تعامل در بین روستاییان	میزان نزاع در بین روستاییان
گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر	۱		
میزان تعامل در بین روستاییان	۰/۵	۱	
میزان نزاع در بین روستاییان	۰/۵	۰/۴	۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همبستگیها در سطح معنیداری ۹۹ درصد اطمینان قرار دارد. با انجام تحلیل عامل بر روی آنها مقدار شاخص KMO برابر با ۰/۷ به دست آمد و آزمون بارتلت در سطح معنیدار ظاهر شد. همچنین شاخصها در یک عامل جمع شده است و مقدار ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷ است. در نتیجه، اعتبار سازه‌ای و روایی شاخصها برای سنجش مقوله واحد انسجام اجتماعی تأیید شده است.

۲. مشارکت اجتماعی

چنانکه در قسمتهای قبل بیان شد، مشارکت اجتماعی با استفاده از متغیرهای عضویت مشارکتی، موقعیت مشارکتی، مشارکت در اجرا و مشارکت در تصمیمگیری اندازه‌گیری می‌شود. توزیع هر یک از متغیرهای یاد شده در جامعه مورد مطالعه به قرار زیر است:

۱.۲. عضویت مشارکتی

میزان و چگونگی توزیع افراد مورد مطالعه بر اساس تعدد عضویت آنها در مجامع

مشارکتی همچون تعاونی روستا، خانه همیار، تعاونی تولید روستا، تعاونی فرش، شورای روستا، گروه‌های هم آب سنتی (قنات و چشمه) و مدرن (چاه عمیق)، انجمن اولیا و مربیان مدرسه، انجمن اسلامی، پایگاه بسیج و... در جدول شماره ۱۴ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱۴. توزیع فراوانی مطلق و نسبی افراد مورد مطالعه برحسب تعداد عضویت در مجامع مشارکتی

مورد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
یک تا سه مجمع	۵۸	۳۴/۱	۳۴/۱
چهار تا شش مجمع	۹۰	۵۲/۹	۸۷
هفت مجمع و بیشتر	۲۲	۱۳	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

مأخذ: یافته‌های تحقیق

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که ۳۴/۱ درصد افراد مورد مطالعه در ۱ تا ۳ مجمع از مجامع مشارکتی عضویت داشته‌اند، ۵۲/۹ درصد (افزون بر نیمی از افراد مورد مطالعه) در ۴ تا ۶ مجمع مشارکتی و فقط ۱۳ درصد در ۷ مجمع و بیشتر از آن عضویت داشته‌اند. دامنه تغییر، میانگین و واریانس این متغیر در شکل فاصله‌ای آن به ترتیب ۱۰، ۴/۵ و ۳/۶ است.

۲.۲. موقعیت مشارکتی

وضعیت افراد مورد مطالعه بر مبنای موقعیت مشارکتی آنها در مجامع مشارکتی برحسب سه مقوله عضویت عادی، فعال و دارای مسئولیت با وزنهای یک، دو و سه دارای دامنه تغییر ۱۵، میانگین ۵/۲ و واریانس ۷/۷ است که توزیع نمرات آنها پس از رتبه‌بندی مجدد در سه مقوله عادی، فعال و دارای مسئولیت در جدول شماره ۱۵ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱۵. توزیع فراوانی مطلق و نسبی افراد مورد مطالعه برحسب موقعیت مشارکتی

موقعیت مشارکتی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
عادی	۱۲۶	۷۴/۱	۷۴/۱
فعال	۳۳	۱۹/۴	۹۳/۵
دارای مسئولیت	۱۱	۶/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

ماخذ: یافته‌های تحقیق

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ۷۴/۱ درصد افراد مورد مطالعه، یعنی حدود ۳ آنها، دارای موقعیت عادی در مجامع مشارکتی هستند؛ بدین معنی که فقط عضویت این مجامع را دارند، ۱۹/۴ درصد دارای موقعیت فعالند یعنی که در تشکیل، حفظ و ارتباط با مجمع، فعالیتی فراتر از عضویت صرف را به عهده دارند و در نهایت فقط ۶/۵ درصد فاقد هرگونه مسئولیتی در مجامع مشارکتی هستند.

۳.۲. مشارکت در اجرا

مشارکت در اجرا در قالب مشارکت در طرحهای عمرانی به لحاظ تعداد طرح مورد توجه قرار گرفته است.

دامنه تغییر مشارکت در طرحهای عمرانی ۱۳، میانگین آن ۲/۳۲ و واریانس آن ۲/۴ است. صورت طبقه‌بندی شده این متغیر در جدول شماره ۱۶ آورده شده است.

جدول شماره ۱۶. توزیع فراوانی و نسبی افراد مورد مطالعه برحسب شرکت در طرحهای عمرانی

تعداد طرح	تعداد	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۱۲	۷/۱	۷/۱
یک طرح	۹۰	۵۲/۹	۶۰
دو طرح	۵۷	۳۳/۵	۹۳/۵
سه طرح و بیشتر	۱۱	۶/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس داده‌های جدول بالا ۷/۱ درصد افراد مورد مطالعه در هیچ طرح عمرانی مشارکت نداشته‌اند. تقریباً ۵۳ درصد آنها (افزون بر نیمی از افراد مورد مطالعه) حداقل در یک طرح عمرانی مشارکت داشته‌اند و ۳۳/۵ درصد در دو طرح و ۶/۵ درصد در سه طرح و بیشتر مشارکت داشته‌اند.

۴.۲. مشارکت در تصمیمگیری

مشارکت در تصمیمگیری در قالب دو مقولهٔ دفعات شرکت در جلسات مجامع مشارکتی، و ارائه نظر و پیشنهاد در جلسات مربوط به طرحهای عمرانی و اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. چگونگی توزیع مربوط به هر یک از این مقوله‌ها به صورت زیر است:

الف) شرکت در جلسات مجامع مشارکتی

دامنه تغییر شرکت در تعداد جلسات برای افراد مورد مطالعه ۱۱ و میانگین و واریانس آن به ترتیب ۳/۵ و ۴/۳ است. جدول شماره ۱۷ چگونگی توزیع این متغیر را در شکل طبقه‌بندی شده آن نشان می‌دهد. معمولاً این جلسات به صورت دوره‌ای، فصلی یا سالی برای افراد عضو هر یک از مجامع تشکیل می‌شود.

جدول شماره ۱۷. توزیع فراوانی مطلق و نسبی افراد مورد مطالعه بر حسب

شرکت در جلسات مجامع مشارکتی

تعداد طرح	تعداد	درصد	درصد جمعی
هیچ	۷	۴/۱	۴/۱
یک تا دوبار	۵۰	۲۹/۴	۳۳/۵
سه تا چهار بار	۶۶	۳۸/۸	۷۲/۴
پنج بار و بیشتر	۴۷	۲۷/۶	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

مأخذ: یافته‌های تحقیق

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که ۴/۱ درصد افراد در هیچ یک از جلسات شرکت

نکرده‌اند. ۲۹/۴ درصد در یک تا دو جلسه، ۳۸/۸ درصد در سه تا چهار جلسه و ۲۷/۶ درصد در پنج جلسه و بیشتر شرکت داشته‌اند.

ب) ارائه نظر و پیشنهاد در جلسات

ارائه نظر و پیشنهاد در جلسات، که دلالت بر مشارکت در نظام تصمیم‌گیری دارد، متغیری است که در جامعه مورد مطالعه دارای دامنه تغییر ۷، میانگین ۱/۳۶ و واریانس ۲ است. پس از طبقه‌بندی این متغیر، جدول شماره ۱۸ تنظیم شده است.

جدول شماره ۱۸. توزیع فراوانی مطلق و نسبی افراد مورد مطالعه برحسب

ارائه پیشنهاد در جلسات طرح

تعداد پیشنهاد	تعداد	درصد	درصد تجمعی
هیچ	۶۱	۳۵/۹	۳۵/۹
یک بار	۴۲	۲۴/۷	۶۰/۶
دو بار	۳۴	۲۰	۸۰/۶
سه بار	۲۰	۱۱/۸	۹۲/۴
چهار بار و بیشتر	۱۳	۷/۶	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	—

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر مبنای داده‌های این جدول، تقریباً ۳۶ درصد افراد مورد مطالعه در نظام تصمیم‌گیری مربوط به طرح‌های عمرانی هیچ نقشی نداشته‌اند، ۲۴/۷ درصد فقط یک بار، ۲۰ درصد دو بار، ۱۱ درصد سه بار و فقط ۷/۶ درصد چهار بار و بیشتر با ارائه نظر و پیشنهاد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به طرح‌های عمرانی مشارکت داشته‌اند.

باترکیب متغیرهای چهارگانه مربوط به مشارکت اجتماعی روستاییان، نمره مشارکت اجتماعی برای هریک از افراد محاسبه شده است که میانگین و واریانس این نمره در جامعه مورد مطالعه به ترتیب ۱۶/۸۸ و ۵۴/۴۱ است. در جدول شماره ۱۹، توزیع نمرات افراد مورد مطالعه در قالب سه مقوله با فاصله‌های برابر نشان داده شده است.

همان طور که ملاحظه می‌شود، براساس داده‌های جدول شماره ۱۹، میزان مشارکت اجتماعی در میان ۳۵/۹ درصد افراد مورد مطالعه کم، ۴۷/۶ درصد متوسط و ۱۶/۵ درصد زیاد است.

جدول شماره ۱۹. توزیع فراوانی نسبی میزان مشارکت اجتماعی در جامعه

مورد مطالعه

میزان مشارکت	فراوانی	درصدی	فراوانی جمعی
کم	۶۱	۳۵/۹	۳۵/۹
متوسط	۸۱	۴۷/۶	۸۳/۵
زیاد	۲۸	۱۶/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۰	۱۰۰	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل روابط بین متغیرها

نتایج آماری به دست آمده از داده‌های مربوط به متغیرهای انسجام اجتماعی، به عنوان متغیر مستقل مورد نظر، و میزان مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان، به عنوان متغیر وابسته، دلالت بر وجود رابطه معنی‌دار در سطح اطمینان ۹۹ درصد در بین این دو متغیر دارد. میزان همبستگی (R) بین این دو متغیر ۰/۴۱ است که حکایت از رابطه همبستگی مستقیم به نسبت شدید بین این دو متغیر دارد، بدین معنا که با افزایش انسجام اجتماعی در سطح روستا، میزان مشارکت اجتماعی مؤثر روستاییان نیز افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه، مطالعه تجربی انجام گرفته، متون نظری ارائه شده مربوط به موضوع را تأیید می‌کند. علاوه بر این، مطالعات تجربی دیگر نیز گواهی بر وجود رابطه متعامل بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی دارد. مطالعات عثمان و افف رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی را مورد تأیید قرار داده است. به نظر آنها افزایش تضاد در جامعه به کاهش تعاون و همکاری می‌انجامد و همچنین انسجام کامل و نبود هیچ نوع تعارض در جامعه نیز مشارکت و همکاری را کاهش می‌دهد، ولی در مجموع، استنباطشان از رابطه بین انسجام اجتماعی و افزایش مشارکت، رابطه‌ای مثبت

بوده است (Esman & uphaff, 1984,76). در بررسی روستاهای استان خراسان نیز رابطه بین انسجام اجتماعی در بین روستاییان و مشارکت در طرحهای عمرانی رابطه معنیداری تشخیص داده شد (کوثری، ۱۳۷۴، ص ۱۸۲).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی متراکم شکل می‌گیرد و عاطفه جمعی تحکیم و تداوم آن را فراهم می‌کند. انسجام اجتماعی، بیشتر حالتی خودانگیخته دارد و حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود احساس تعلق جمعی و تراکمی از تعامل اجتماعی در میان اعضای یک جامعه است که در بین آنها احساس همبستگی به میزان زیاد و قوی وجود دارد. داده‌های ارائه شده در این مقاله نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین دو متغیر مورد مطالعه وجود دارد که با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه، هر دو متغیر به دلیل همبستگی میانشان مقوم یکدیگرند. پیامد و حاصل بسط رابطه متعامل بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به گسترش توسعه اجتماعی کمک می‌کند. در نتیجه پیشنهاد می‌شود برای افزایش و تقویت انسجام اجتماعی در سطح روستاها به موارد زیر توجه شود:

- کاهش نزاعهای سیاسی و خطی که امروزه جایگزین نزاعهای طایفه‌ای و قبیله‌ای زمان گذشته شده است.

- افزایش تعامل و گرایش مثبت در بین روستاییان نسبت به یکدیگر از طریق حفظ و

تقویت مناسک و شعائر جمعی مذهبی و سنتی که میزان تعامل و تعاون اجتماعی را بالا می‌برند.

- بازشناسی واحدهای سنتی و تشریح فعالیتهای این واحدها برای نسل جدید و باز تولید

آنها بر مبنای شیوه‌های جدید مدیریتی که در جلوگیری از گسستها و حفظ انسجام اجتماعی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

- ارائه برنامه‌های آموزشی و ترویجی‌ای که زمینه‌ساز نقش‌پذیری و مسئولیت‌پذیری

برای روستاییان در فعالیتهای واحدهای مشارکتی جمعی باشد.

- توجه به فرایندهای اعتمادسازی در سطوح بین فردی و نهادی که می تواند تقویت کننده انسجام اجتماعی و مقوم سرمایه اجتماعی باشد.

منابع

۱. افروغ، عماد (۱۳۷۸)، خرده فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۲. اوکلی، پیتر و دیوید مارسدن (۱۳۷۰)، رهیافتهای مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمودنژاد، انتشارات جهاد سازندگی، تهران.
۳. بیرو، آلن (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.
۴. پاتریک، جی بویل (۱۳۷۴)، برنامه ریزی در فرایند توسعه، ترجمه غلامرضا احمدی و سعید شهابی، انتشارات ققنوس، تهران.
۵. پانتام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات سلام، تهران.
۶. چلبی، مسعود (۱۳۷۲)، وفاق اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره ۳.
۷. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، نشرنی، تهران.
۸. دانشمندی، علی (۱۳۷۷)، نقش نهادهای مدنی در توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم (جلد سوم)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۹. دشتی، عبدالله (۱۳۷۶)، دیالکتیک انضباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی ساندینیست‌ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۰. سالیما، عمر (۱۳۶۵)، دموکراسی، تأسیس نهاد توسعه اجتماعی، برنامه ریزی در سطح محلی و توسعه روستایی ترجمه عباس مخبر، انتشارات وزارت برنامه بودجه، تهران.
۱۱. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۰)، مشارکت در مالکیت و مدیریت، انتشارات مرکز آموزش

مدیریت دولتی، تهران.

۱۲. فائو (۱۳۷۶)، رهیافت سازماندهی گروههای مردمی و مشارکت در فرایند توسعه روستایی، ترجمه محمود جمعه پور، ماهنامه جهاد، شماره ۱۹۴، وزارت جهاد سازندگی، تهران.

۱۳. کوثری، مسعود (۱۳۷۴)، بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستائیان استان خراسان در فعالیتهای عمرانی، رساله کارشناسی ارشد، بخش جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

۱۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، انتشارات تیراژه، تهران.

۱۵. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، تهران.

۱۶. مردوخی، بایزید (۱۳۷۳)، مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش میزان آن، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.

۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۷۶)، شناسنامه آبیادهای کشور، شهرستان کاشان، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.

18. Eisman, M. and N.Uphoff (1984), Local organization intermediaries in rural development. London: Cornell University Press.

19. Chambers, R. (1997), General interaction participation of participatory research and development in : Power and participatory development theory and practice, Edited by Nici N. & et.al., Intermediate Technology Publication, London.

20. Croft, S. and P. Bresford (1992), The politics of participation, *Journal Critical Social Policy*, Issue 35, Vol.12, No.2:20-45.

21. Gaotri, H. (1986), Popular participation in development in: Participation

in development, Unesco, Paris.

22. Hall, A. (1988), Community participation and development policy, A sociological perspective in: Development policies sociological perspectives, Edited by A. Hall and J. Midgely, Manchester University Press, Manchester.

23. Midgely, J. & et.al. (1986), Community participation, social development and the state, Methuend, London.

24. Oakley, P. & et.al. (1999), Protects with people the practice of participation in rural development, ILO, Geneva.

25. Olsen, E.M. (1972), Social participation voting turnout a multiple analysis, *American Sociological Review*, vol.37, June. 317-333.

26. Parker, R. (1985), Measuring social participation, *American sociological Review*. vol.84, Issue, 864-873.

27. Rahman, Md Anisur (1993), People's self development, Zedkooks, London.

28. Ramella, M. & B. L. Rose (2000) Taking part in Adolescent sexual health promotion in Peru, Community participation from a social psychological perspective. *Journal of Community and Applied Social Psychology*, vol. 10, Issue, 4. 271-284.

29. United Nations (1988), Local social development planning, vol. 1, Nargora, Japan.

30. Wolf, M. (1983), Participation the view from above, UNRISD, Geneva.